



ویتا سکویی - وست
دکتر مهران توکلی
نشر و پژوهش فرزان روز
1387
چاپ سوم

مسافر تهران

در نظر اول احتمال دارد که انتشار این کتاب، قاعده‌تاً باعث در ردیف سفرنامه‌ها منتشر شود، در «مجموعه مطالعات اجتماعی» موجب تعجب برخی خوانندگان گردد. اما اگر کمی دقیق‌تر به محتوای کتاب بنگریم، دلیل این انتخاب کاملاً روشن می‌شود. کتاب مورد نظر، براسی سفرنامه‌ای معمولی نیست بلکه، علی‌غم حجم نسبتاً کوچک خود، آکنده است از ملاحظات دقیق مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی و سیاستی و اقتصادی، آنچنان که باقی محدودی از سفرنامه‌های پراهمیت و ماندگی ادوار گذشته شاهد بوده‌اند.

آنچه در اینجا از زبان نویسنده، در مسیر مسافرت‌هاییش به تهران، از جمله درباره مصر و چگونگی زندگی روزستاییان آنجا، وضعیت عدن، عراق آن روز و نقش مأموران انگلیسی در برآوردن خاندان فیصل، تاجگذاری در این پس از انفراض سلسله قاجاری، لیکن بعینی شهودی گونه درباره‌ی سرنوشت جامعه شوروی پس از انقلاب اکتبر می‌خواهد، هرچند گذرا و به اختصار می‌نماید، سرشار است از آگاهی‌ها و اطلاعات اصیل و دقیق جامعه‌شناسی و سیاستی و اجتماعی که براسی در سفرنامه‌های زیادی شاهد این همه داده‌های خوانندگی در حجمی اندک نبوده‌اند.

مسافر تهران کسی رهیست جز خود نویسنده کتاب ، خانم ویتا سکوٹی – وست^۱ ، که در اوایل سال ۱۹۲۶ به این سفر کرده است . سکوٹی – وست نام یکی از خانواده های اشرافی انگلیسی است که از وصلت دو خانواده وست و سکوٹی ترکیب طفته . نام اصای نویسنده کتاب ویکتوری مری سکوٹی وست است که به سال ۱۸۹۲ در کنول (در ایلیت کنت انگلستان) به دری آمد و در سال ۱۹۶۲ در همانجا درگذشت . شاعر و رمان نویس بود و ویتا سکوٹی وست را نام قلم ی خود برگزیع – عیری نام نویسنده او – و به همین نام مشهور است . در سال ۱۹۱۳ با یک روزنامه نگار و دیلیمات انگلیسی به نام سرهارولد نیکولسون ازدواج کرد که او نیز از خانواده های اشرافی و پسر سرآرتور نیکولسون بود . سر هارولد در ۱۸۸۶ در تهران زاده شده بود و در ۱۹۰۹ به خدمت وزارت امور خارجه انگلیسی درآمد و در کنفرانس صلح پاریس (سال ۱۹۱۹) از اعضای هیئت نمایندگی انگلستان بود . از آن پس در روزنامه های لندن نقد می نوشت و سپس از ۱۹۲۵ تا ۱۹۲۷ در سفارت بریتانی در تهران قنسول بود . از ۱۹۲۱ تا ۱۹۳۹ کتاب هایی در شرح احوال مردان ادب و سیاست نوشت ، از جمله زندگینامه پل ولن شاعر فرانسوی ، لرد باعن شاعر انگلیسی ، لرد کرزن سطیسمدار انگلیسی ، ورنن کتابی در « آشنا دادن متخصصین » و کتاب دیگری در دیلیماتی .

ویتا زری است با روحی سرکش و کنجکاو که به آداب و رسوم اشرافی عصر خود اعتماد ندارد و ذهنیت از قیچی و بندهای نامعقول آن زمان آزاد است . بسیار اصلاح طلب است ، و به همین دلیل درمی گذیم که چرا در دو سالی که شوهر ویتا قنسول سفارت انگلستان در تهران بود خود او در انگلستان می زیست و تنها دو بار به این آمد که اولین آن بسیار کوتاه هم بود ؛ هر چند این گونگی روابط آنها ، ویتا را از اهدای مسافر تهران به شوهرش بازداشت .

انگنه هایی که دیگر جهانگردان را به این آورده است در مسافر تهران نبوده ، نه مأموریت دیلیماتیک و نظامی اقتصادی ، نه کاوش های باستان شناسی ، نه پژوهش علمی ، و نه مقاصد بازرگاری و صنعتی و غیره آن . اینها هیچ یک ویتا را به آمدن به این بریتانیا خوخته است . انگنه وی کنجکاوی وی بوده و میلش به سیوآفاق و انفس که بیش از آمدن به این از مصر و عراق هم دیدن کرد . پس خواننده می تواند از بیش بر این گمان باشد که کتاب او از خوشامدگویی ، مبالغه پردازی ، می ساخت و پرداخت مطالب دور از حقیقت عاری است . این گمان رفته رفته که با مسافر تهران همسفرمی شوی در ما قوت می گزیند . او را می بینیم که بر سر راه خود به هر که و هر چه می بخند دل می دهد . به طبیعت و هر آنچه در آنست چه در روی زمین و چه در فضا و آسمان ؛ و البته بیش از همه به آدم ها توجه دارد و از آنها با ما سخن می گویند . شاعر است ، شاعری بسیار رمانیک که همه زیایی ها و لطافت ها را ، خواه در گل و گله باشد خواه در سنگ و خاک و خاربنها ، طی داشت و کوه و برف وجودیار ، در هر چه می بخند می گزیند و وصف آن را بر ما بطلق می کند .

کتاب مسافر تهران ، دارای زمینه ای اجتماعی است؛ خود نویسنده هم امیدوار است که کتابش از هر گونه حدیث کشف جغرافیایی می تحقیق باستان شناسی و هر شرح و توضیح تاریخی و علمی عاری و بری باشد

^۱ - Vita Sackville-West

انگنه هایی که دیگر جهان گردان را به این آورده است در مسافر تهران نبوده، نه ماموریت دیپلماتیک و نظامی
لی اقتصادی، نه کاوش‌های باستان شناسی، نه پژوهش علمی و غیره آن. انگنه این زن نویسنده، کنچکاوی است با
نگاهی مردم شناسانه، سرزمه‌ی و مردم این را دوست می‌دارد. زیبایی‌های این سرزمه‌ی را ستایش می‌کند و
زشتی‌هایش را نکوهش. خوبی‌ها و بدیهای ای ارطیف آن زمان و فساد‌های دربار و دولت را از پرده عيون می‌
برند.

این کتاب خواننده‌ای را که از سفر نامه‌ها، روایت خارق العاده و مبالغه‌آمیز می‌طلبد و لیاز گذشته و تاریخ
ایان، همیشه خوبی‌ها را می‌بیند و در گذشته زندگی می‌کند، راضی نخواهد کرد.
اما خواننده‌ای که روایت دل انگنه از زمانهای گذشته‌چه خوب و چه بد- درباره زندگای انسانها، وصف جامعه،
و رویدادهای سفر را می‌پسندد و دوست دارد از خواندن این کتاب لذت خواهد برد
وئیا سکولی-وست (-Vita Sackville-West) نویسنده کتاب - از روش فکران انگلیسی در نیمه اول قرن
پیشیم به شمار می‌آیی که در سال 1926 میلادی، بعیری همزمان با خلع سلطنت از قاجار و به سلطنت رسیدن
راخان، به این سفر کرده است

واژه‌های مردم، ایان و ایاری در کتاب مسافر تهران به وفور مشاهده می‌شود که شایع تا حدودی جنبه
اجتماعی این کتاب را نشان دهد.

دیج اجتماعی نویسنده، حتی در روز تاج گذاری رضا خان، باز است وی که در روز تاج گذاری در تالار حاضر بوده
شایع بیشتر از شخص شاه، اطرافیون و مناظر اطراف خود را دیجه مثلاً می‌نویسد" از سوراخ دیوارهای حیط کاخ،
توده‌های زباله را می‌شد دیج که مرغها به کاویان آنها مشغول بودند

به اصفهان که می‌رسد شور و شوقش اوج می‌گیرد و توصیف‌هایش دل انگنه می‌شود. آنجا که در میدان
نقش جهان از درویش نقال سخن می‌گویی و مسجد و بازار را رودرور می‌بیند می‌گویی: «در یک سوی میدان
پهناور دروازه بزرگ آبی رنگ و گنبد فیروزه‌ای مسجد سربرافراشته بود. در سوی دیگر مدخل بازار تاریک و
مرموز دهان گشوده بود. آز و ریل رودررو ایستاده بودند.» از پشت بام‌های شهر به جاده شیخاز نگاه می‌کند و
می‌گویی: «در این ماه آوری وقت نداشتم که به آنجا بروم، اما این لذتی بود که نمی‌توانستم از آن دل برکنم
و برای زمان دیگری گذاشتم. از این رو در نگاهم ریل بود اما اندوه و ناکامی نبود.» اصفهان آنچنان او را شوخته
خود می‌کند که می‌گویی: «می‌دانستم که به اصفهان بازخواهم آمد، چه دلخراش است که آدم به خود بگویی
این شهری است که من هرگز نخواهم دیج.» رفته رفته عاشق ایان می‌شود و می‌گویی: «باور کرده بودم که
از ریشه‌های برجی و به آزادی رسیده اما اکنون می‌دیم که عشق به ایان مرا در دام خود گرفتار کرده است
وئیا زبان فارسی را به آن اندازه می‌دانسته که در بازگشت از اروپا شبی که در یک دهکده لهستانی با
همسفرانش چند ساعتی در یک کافه می‌گذرانند، برای آنها از حافظ شعر بخواند: «آنگاه همه از من خواستند
که به فارسی جئی بگویی، و من یک بیهت از حافظ برایشان خواندم.»

درباره مردم ایان آن زمان هم خوبی ها و بدی ها را آن چنانکه دیگه است بی پرده و بی پروا بر می شمارد. و برای ما ایارکل هفتاد سال بعد عبرت انگین است که می گوییم از آن دوران زیاد دور نشده ایم، و اگر خویشن شناس باشیم از مسافر تهران درس ها می گیریم.

این کتاب خواننده ای را که از سفرنامه ها رواایت خارق العاده و حیوت انگونه می مبالغه آمیخته می طلبد راضی نخواهد کرد ، اما خواننده ای که به زیبایی حساس است و رواایت دل انگونه را از زمان های گذشته درباره زندگی انسان ها و حیوان ها ، وصف طبیعت ، رویدادهای سفر ، و بسطی نکات دیگر دوست دارد از همسفر شدن و همدای با «مسافر تهران » به وجد خواهد آمد .